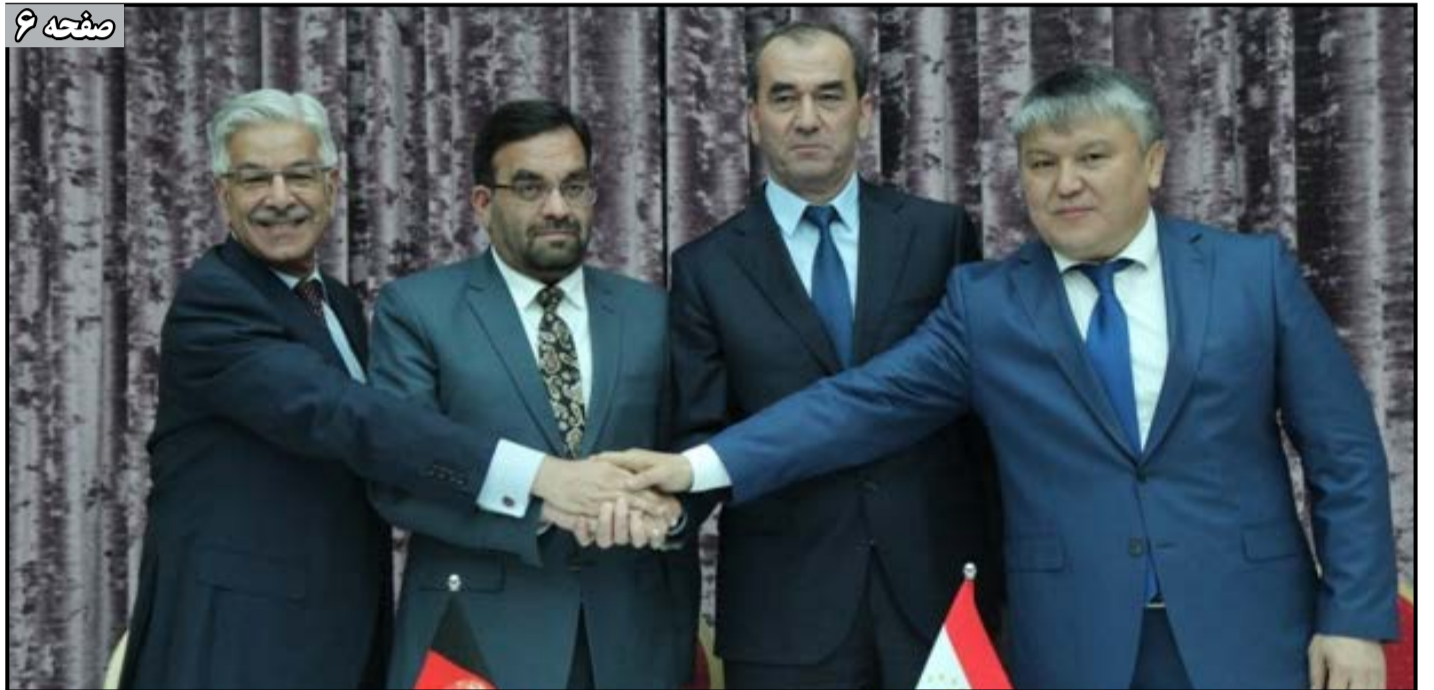


به جای ۶ ماه قانون‌گرایی و نجات، وعده شش ماه خون و آتش می‌دهند این چه نگاه رهبرانه است!؟



وقتی از نیلسن ماندیلا رهبر زنده یاد آفریقای جنوبی می‌پرسند که برای شما بحیث رهبر ضد تبعیض نژادی و احتمالاً رئیس جمهور آینده چگونه ممکن است که با یاسر عرفات، قذافی و فیدل کاسترو هر سه ناقضین حقوق بشر رشته دوستی ببندید؟ ماندیلا در پاسخ می‌گوید: یکی از اشتباهات شما تحلیل‌گران در این است که فکر می‌کنید که دشمن شما حتماً دشمن من نیز باید باشد. ماندیلا ادامه داده می‌گوید: نظر ما در مورد هر کشوری بستگی به پشتیبانی آن کشور از داعیه و مبارزه خودمان دارد. کاسترو، قذافی، عرفات نه تنها مبارزه ما را با شعار، بلکه با همه امکانات حمایت می‌کنند

پروژه برق «کاسایکهار» راه می‌افتد



«عزای ملی رعایت نمی‌شود»

سرک، د کلیوالو د اقتصاد د ودی لپاره

د بلورسنگ کلی د غزني ولايت مالستان ولسوالۍ کې پروت دی . دې کلی کې (۵۳۰) کورني ژوند کوي چې اکثره خلک يې د کرنې او مالدارۍ او ځينې هم د آزاد کسب او دريوري له لارې خپل ژوند پرمخ بيايي . مخکې لدې چې دغه کلی د ملي پيوستون پروگرام تر پوښښ لاندې راشي ، د بلورسنگ کلی خلک د سرک نشتوالي له امله له زياتو ستونزو سره مخامخ وو ، ځکه نوموړې کلی په غرنۍ سيمه کې پروت وو او دسې لارې د نه شتون له امله د خلکو تگ او راتگ او د محصولاتو ليردول په تېره ولاړوو، په حقيقت کې د سې مواصلاي لارې نشتوالي ، هميش ديوې لويې ستونزې په توگه دکال په ټولو فصلونو کې په تيره بيا په ژمي کې خلکو ته مطرح وه .

د کلیو د بيارغونې او پراختيا وزارت د ملي پيوستون د پروگرام په مرسته او همکاري د کلی د کلي بنسټونه او نارينه پراختيايي شورا له جوړيدو وروسته د بلورسنگ کلی تر يوزيات حده لدې حياتي ستونزې نه خلاصون وموند او خلکو ددې توانمنۍ تر لاسه کړه چې خپلې زياتې ستونزې په برياليتوب سره حل کړي . دبلورسنگ دکلي پراختيايي شورا د سرک پروژې ته په لومړيتوب ورکولو سره چې دخلکو يوه حياتي غوښتنه وه ، په تطبيق يې عملاً پيل وکړو . په دې توگه هغوی وتوانيدل يو کلیوالي سرک چې (۷۵۰۰) متره اوږدوالی لري اوکلی له ولسوالۍ او مرکز سره نښلوي ، جوړ کړي .

د دې کلي يو تن اوسيدونکی خير الله پدې هکله داسې وويل :
«مخکې زمونږ په کلی کې سرک شتون نه درلودو، تگ اوراتگ نه وو او خلکو به په د يوو ستونزو سره خپل ناروغان د زياتو گواښونو په منلو سره کلينک ته ليردول چې له بده مرغه څو تنو د لارې په اوږدو کې خپل ژوند له لاسه ورکړ . الحمد لله اوس د ملي پيوستون پروگرام له برکته کولې شو خپل ټول د اړتيا وړ ټوکې د موټر په وسيله تر کوره وليږدوو، همدارنگه د کلي د خيره بنسټ له خوا ، يو فلاينگ کوچ موټر په همدې سرک تگ راتگ کوي او کلي يو شميرنځي اوهلکان دولایت مرکزښوونځي اودارالمعلمين ته ليردوي .»

ديادونې ورده چې د بلورسنگ کلي د پراختيايي شورا په جوړيدو سره د کلیو دبيارغونې او پراختيا وزارت د ملي پيوستون پروگرام (۳۰۰۰۰۰۰) افغانۍ پدې پروژې لگولی دي پداسې حال کې چې د خلکو ونډه د (۳۰۰۰۰۰) افغانیو نه زياته وه او (۱۹۲۸) کورني ترينه گټه اخلي .
ددې کلي يو تن بل اوسيدونکی محمد تقی داسې وويل :

«مخکې لدې چې زمونږ په کلی کې سرک نه وو، زمونږ اکثره کرنيزمحصولات بازار ته په ټاکلې موډې د نه رسيدو له امله خوسا کيدل . زمونږ دکلي اکثره حاصلات انگوراو آلوگان دي چې ليردول يې تر بازاره پورې د پراختيا غواړي چې مونږ د همدې سرک د نه شتون له امله له اقتصادي پلوو د پرېمانمن کيدو، خو اوس د سرک په درلودو سره کولای شو په ډيرې هوساينې سره خپله ميوه د موټر په وسيله بازار ته خرڅلاو له پاره وليږدوو . سرکال د همدې سرک له برکته وتوانيدو د مخکينيوکلونو په پرتله څوځلي خپل محصولات وپلورو او گټه ترلاسه کړو .»

دکلیو دبيارغونې او پراختيا وزارت
دملي پيوستون پروگرام دعامه اړيکو دفتر



محمد رضا امینی



سخن ماندگار

جنگ برای صلح

رویدادهایی که در کنذ اتفاق افتاده است و در دیگر بخش‌های کشور از جمله کابل نیز شاهد هستیم، نشان می‌دهند که وضعیت امنیتی به‌سان سال‌های گذشته چندان مطلوب نیست و همچنان به‌سان سال‌های گذشته، دولت نه راه جنگ را گرفته است و نه راه صلح را دقیق پیش می‌برد.

اگرچه بعد از رویداد سه‌شنبه گذشته در کابل، ما شاهد موضع‌گیری تند رییس جمهور علیه طالبان و تروریستان بودیم، اما بار دیگر به این نتیجه دست یافتیم که حرف‌ها و موضع‌گیری‌های ریاست جمهوری، زودگذر و احساساتی‌اند تا عملی و مبتنی بر برنامه.

اما مردم انتظار دارند که دولت در شرایط کنونی، راه جنگ را به هدف فشار وارد کردن بر طالبان انتخاب کند و این دقیق در برابر برنامه‌هایی قرار دارد که در چند سال گذشته در کشور شکل گرفته است؛ زیرا طالبان جریانی هستند که برای برخی‌ها حضورشان بسیار مفید تمام شده و برای برخی‌ها هم بسیار سود اقتصادی در بر داشته است. با این حساب، هم بحث جنگ با طالبان و هم بحث صلح، هر کدام عواید کلان خود را برای حلقاتی در کشور به دنبال دارد.

آنچه اکنون که در کنذ جریان دارد، به‌وضوح نشان می‌دهد که اگر دولت اراده قاطع برای سرکوب طالبان و جمع کردن گلیم آنان داشته باشد، بدون شک این کار به ثمر می‌نشیند و طالبان زیر فشار جنگ و ضعف ناشی از آن، وادار به تمکین در برابر دولت می‌شوند.

اگر همان‌گونه که دولت افغانستان اعلام کرده است، اولویت آنان برای ختم جنگ از راه مذاکرات صلح تغییر کرده باشد و پس از این، جواب جنگ طالبان را با جنگ بدهند، خواهیم دید که جنگ در سال پیش رو و در همین ماه‌های نخست سال به نتایج مثبت منتهی می‌گردد.

همان‌گونه که هم دولت و هم مردم می‌گویند، گروه‌های مخالف مسلح دولت برای تأمین اهداف و منافع بیگانه‌گان در افغانستان می‌جنگند و دیگر نیازی نیست که بیش از این، صلح و صلاح التماس شود. ضایع کردن وقت برای گفت‌وگوهای چهارجانبه، دیگر منطق ندارد و نباید بار دیگر این هوس خام را در سر پرورانید.

جنگ قاطع، تنها گزینه معقول است؛ زیرا خود طالبان به این انتخاب دست زده‌اند. اما در کنار سرکوب طالبان برحالا، باید طالبان نقاب‌پوش داخل نظام نیز ریشه‌کن شوند. اما این که حکومت افغانستان اذعان کرده که در وضعیت فعلی، جنگ اولویت دارد، یک گام بسیار مثبت تلقی می‌شود؛ زیرا پیش از این واضح بود که حکومت انگیزه و برنامه‌ی برای جنگ با طالبان ندارد و همین امر سبب شد که طالبان دوباره خودشان را در چند نوبت بسیج کنند و موقعیت‌های بهتری را کمایی نمایند.

مردم ما هر روز قربانی سیاست‌هایی شده‌اند که بر بنیاد علایق و سلاقی اعمال شده است؛ اما بعد از این، نباید سلیقه‌های فردی و بینش خصوصی افراد، جایی برای طرح مسأله داشته باشد و افغانستان باید از این وضعیت اسف‌بار گذار کند. دولت مکلف است که به منظور پیشبرد و انسجام امور نظامی و امنیتی، راهکارهای عملی سنجیده‌شده را در قالب یک استراتژی هدف‌مند ترسیم و عملی سازد. جنگ یا صلح با طالبان، با سخنان مقطعی و تصمیم‌گیری‌های احساساتی و گاه عوام‌فریبانه نتیجه‌بخش نیست. اول باید اراده سیاسی برای پیروزی در جنگ و نابودی طالبان و یا هم دست یافتن به صلح وجود داشته باشد و بعد در سایه همین اراده، راهکارها و برنامه‌های درخور تدوین و اجرا گردند.

آماده‌گی ناگزیر

برای رویارویی بزرگ با تروریسم

تمهیدات و تدابیر جدی و همه‌جانبه‌یی که چین، روسیه، جمهوری‌های آسیای مرکزی و کشورهای پیرامون آن سنجیده‌اند، تروریست‌ها در افغانستان، باقی خواهند ماند و در ایستگاه اول، متوقف خواهند شد.

با این وصف، دولت افغانستان بخواهد یا نخواهد، ناگزیر است آماده یک رویارویی سراسری و بزرگ با تروریسم خارجی و جاده‌صاف‌کن‌های داخلی آن باشد.

افغانستان هنوز با سرمایه‌گذاری‌های عظیم روی پروژه شکست‌خورده صلح با تروریست‌ها، امیدوار است که از این طریق، هزینه‌های تأمین امنیت در کشور را کاهش دهد؛ غافل از آن که این امید سال‌هاست با سیاست‌بازی‌های دوگانه و فریب‌کارانه اسلام آباد و واشنگتن با شکست مواجه شده و بدتر از آن این که بخش‌های وسیعی از کشور هم‌اکنون به نحو کم‌سابقه‌یی، جولانگاه تروریست‌های داخلی و خارجی است. دولت افغانستان بخواهد یا نخواهد، ناگزیر است آماده یک رویارویی سراسری و بزرگ با تروریسم خارجی و جاده‌صاف‌کن‌های داخلی آن باشد. آثار این رویداد خطرناک و بزرگ از مدت‌ها پیش در ولایت‌های امنی مانند بدخشان، فاریاب، سرپل و... آشکار گشته است؛ اما ظاهراً حکومت همچنان با بی‌تفاوتی و سکوت در قبال این رویداد، به تلاش‌های بی‌نتیجه و شکست‌خورده صلح چشم دوخته است.

آثار این رویداد خطرناک و بزرگ از مدت‌ها پیش در ولایت‌های امنی مانند بدخشان، فاریاب، سرپل و... آشکار گشته است؛ اما ظاهراً حکومت همچنان با بی‌تفاوتی و سکوت در قبال این رویداد، به تلاش‌های بی‌نتیجه و شکست‌خورده صلح چشم دوخته است.

افغانستان به ویژه تروریسم خارجی که حضور و سلطه آن در برخی مناطق کشور، رو به افزایش نگران‌کننده و رعب‌انگیز گذاشته است، در آینده نزدیک، به ایستگاه پایان، نخواهد رسید؛ بنابراین، آن‌ها ضمن آن‌که با انگیزه‌های سیاسی و افزایش نقش و اثرگذاری خود در مسایل مهم منطقه‌یی مانند جنگ و صلح در افغانستان، در نشست‌های چهارجانبه به صورت فعال شرکت می‌کنند، در عین حال نسبت به اولویت‌های امنیتی و استراتژیکی خود در مبارزه با تروریسم نیز غافل نیستند؛ تروریسمی که بر بنیاد یک برداشت، افغانستان برای آن معبری برای رسیدن به کشورهایی مانند چین، آسیای میانه و روسیه است.

این در حالی است که افغانستان به عنوان کشوری که اگرچه گفته می‌شود معبر تروریست‌های خارجی است؛ اما نمی‌تواند از آسیب‌های مرگبار و ویرانگر ناشی از حضور و نفوذ گسترده تروریست‌های خارجی در امان باشد، هیچ تمهید و تدبیری برای مبارزه با تروریسم روی دست ندارد و در برابر، هنوز با سرمایه‌گذاری‌های عظیم روی پروژه شکست‌خورده صلح با تروریست‌ها، امیدوار است که از این طریق، هزینه‌های تأمین امنیت در کشور را کاهش دهد؛ غافل از آن که این امید سال‌هاست که با سیاست‌بازی‌های دوگانه و فریب‌کارانه اسلام آباد و واشنگتن با شکست مواجه شده است و بدتر از آن این که بخش‌های وسیعی از کشور هم‌اکنون به نحو کم‌سابقه‌یی، جولانگاه تروریست‌های داخلی و خارجی است.

از سوی دیگر، اقدام چین، یک زنگ بیدارباش جدی برای اصحاب قدرت در کابل است مبنی بر این که اگرچه تروریست‌های خارجی با این مأموریت به افغانستان آمده‌اند که با استفاده از این کشور، به چین، آسیای مرکزی و مرزهای قفقاز و روسیه نفوذ کنند؛ اما با توجه به

چین قرار است در هماهنگی با دولت افغانستان، اقدام‌های امنیتی تازه‌یی را در مرزهایش با افغانستان آغاز کند.

دلیل نگرانی‌های چین این است که ایالت ایغور این کشور، چون با بدخشان افغانستان هم‌مرز است، می‌تواند به پناهگاه امنی برای هراس‌افکنان تبدیل شود.

در این اقدام، هر دو کشور برنامه‌هایی علیه شورشیان دارند و گفته شده که این هماهنگی به زودی عملی خواهد شد. پایگاه بلومبرگ امریکا گزارش داده که این اقدام چین، بیانگر نگرانی‌های آن کشور از شکست گفت‌وگوهای صلح کابل با طالبان است.

چین یکی از طرف‌های اصلی مذاکرات مقدماتی صلح در افغانستان است و نماینده‌های این کشور در نشست‌های ترسیم نقشه راه صلح در کابل و اسلام‌آباد شرکت می‌کنند.

این که در این بین، سهم افغانستان از مبارزه چین با تروریسم در مرزهای آن کشور با افغانستان چیست، دقیقاً مشخص نیست؛ زیرا هرگز انتظار نمی‌رود که چینی‌ها برای مبارزه با تروریسم در مناطق نزدیک مرزهای خود در داخل خاک افغانستان، کاری صورت دهند و این اصولاً با توجه به حضور و سلطه گسترده نظامی غرب در افغانستان، در حال حاضر غیرقابل تصور است؛ بنابراین، پیش‌بینی می‌شود که طرف ذی‌نفع در این مورد، چین خواهد بود نه افغانستان.

از سوی دیگر، این تصمیم چینی‌ها نشان می‌دهد که این کشور به عنوان یک عضو فعال و مؤثر محور هماهنگی چهارجانبه برای تسهیل روند صلح دولت افغانستان با طالبان، نسبت به آینده این روند، خوش‌بین نیست و این البته با واقعیت‌های جاری در این زمینه نیز کاملاً همخوانی دارد.

چینی‌ها می‌دانند که تروریسم در

به جای ۶ ماه قانون گرای و ثبات، وعده شش ماه خون و آتش می‌دهند

این چه نگاه رهبرانه است؟!

و اما در کشور خدا داد افغانستان داستان دیگریست. داعیه حکومت ما را باید داعیه بازیگران منطقه و فرمانطقه تشکیل بدهد. مخاطب رهبری ما را، خواست، پالیسی ها و پروژه های دیگران می سازد. در واقع رهبری موجود، غرق در آجندای کلان و خورد می باشد. آجندای کلان مربوط بازیگران کلان، آنچه در این میان بطور کامل غایب است، مردم، آجندای ملی و کشور می باشد.

هان، فراموش نشود که در میان هیاهوی این دو آجندا که هر روز قربانی میگیرد، جمعی هم در جایگاه محافظین نظام، مسئول پروژه سازی، منفعت کشی ها و شخصیت سازی خود اند!!!

درست ترین قول معروف همینست که: «نیازی نیست بخاطر ثبوت و طبرستی زمین و آسمان را بهم بریزید، فقط خود تان را نفروشید».

رهبری موجود حکومت همه تلاش ها را دارد تا در زیر چتر حمایت آجندای کلان دیگران، آجندای خورد خود را رقم بزند و بجای تغییرات ثبات آور ۶ ماه آینده، وعده ۶ ماه خونین جنگ را برای مردم میدهند!!!

این وضعیت برای مردم مان قابل تحمل نیست. از شمال و جنوب صدای دفاع مستقلانه بلند شده است. از مرکز صدای اعتراض هر روز طنین بیشتری دارد.

اما آنچه برای مردم مان اولویت دارد، نه هراس از وعده جنگ خونین ۶ ماه آینده است، نه آجندا های کلان و خورد، نه بازی های شخصی قدرت و نه هم فراکنی های حکومتی، بلکه مبارزه خودمان به منظور رسیدن به حق، بخاطر تغییرات اساسی در جهت عدالت سیاسی و اجتماعی می باشد. تا بازی قدرت در این سرزمین عادلانه نگردیده است، هیچ تولید عادلانه ندارد و رنج و درد مردم همچنان ادامه خواهد داشت.

برگرفته از صفحه فیسبوک احمدولی مسعود

می‌گویند رهبران واقعی از متن بحران، کشورها را به ساحل نجات می‌رسانند، اما نگاه رهبران افغانی اغلباً سیر معکوس داشته تا کشور را به بحران نکشانند، کنار نمی‌روند. سرانجام طالبان در سال ۲۰۰۱ با مبارزه و قربانی چندین ساله مقاومت‌گران و مردم شکست قطعی می‌خورند. صفحه جدید باز می‌شود و زمینه‌ها و امکانات کلان جامعه جهانی برای افغانستان فراهم می‌گردد و در آخر آقای حامد کرزی با توافق خارج به قدرت می‌نشینند و مجری این همه امکانات می‌گردد.

مردم در عالم ناشناسی، با آمدن وی تمکین می‌کنند، طلایی ترین فرصت تاریخی برای کشور با فداکاری مردم و بدون کوچکترین زحمتی در اختیار آقای کرزی قرار می‌گیرد. اما وی چه کرد؟ همه این فرصت‌ها را با سلیقه شخصی، با سیاست سنتی، وابستگی، کج اندیشی و ساعت تیری سوخت و در آخرین نمایش، کشور را دو دسته به کام بحران فروربرد.

این یک نمونه روشن تاریخ زنده مان است که می‌توان از آن دلایل ناکامی تاریخی کشور را سراغ گرفت و اینکه چرا در افغانستان کمبود رهبرانی را داریم که در حافظه ملی مردم ما جا داشته باشند.

وقتی از نیلسن ماندیلا رهبر زنده یاد آفریقایی جنوبی می‌پرسند که برای شما بحیث رهبر ضد تبعیض نژادی و احتمالاً رئیس جمهور آینده چگونه ممکن است که با یاسر عرفات، قذافی و فیدل کاسترو هر سه ناقضین حقوق بشر رشته دوستی ببندید؟

ماندیلا در پاسخ می‌گوید: یکی از اشتباهات شما تحلیل‌گران در این است که فکر می‌کنید که دشمن شما حتماً دشمن مانینز باید باشد. ماندیلا ادامه داده می‌گوید: نظر ما در مورد هر کشوری بستگی به پشتیبانی آن کشور از داعیه و مبارزه خودمان دارد. کاسترو، قذافی، عرفات نه تنها مبارزه ما را با شعار، بلکه با همه امکانات حمایت می‌کنند.

حمایت مشروط مجلس از موقف رییس جمهور



در رو شوند. از سوی هم، اعضای مجلس نماینده‌گان می‌گویند که از موقف جدید رییس جمهور حمایت می‌کنند. اسدالله سعادت گفت: «بعضی‌ها خواب سقوط زودهنگام حکومت را می‌بینند و این راهی را که ما پیموده‌ایم برگشت ناپذیر است؛ آنان بدانند که بدیل این حکومت طالبان است نه شما».

آقای سعادت با ذکر این که طالبان افغانستان را به قرون وسطی و به سمت وحشت و دهشت بر می‌گرداند افزود: همه شهروندان افغانستان باید به منافع ملی کشور بیاندیشند و از حکومت کنونی حمایت کنند.

ناهد فرید دیگر عضو مجلس نیز گفت: «حکومت افغانستان می‌خواهد که اسناد حمله روز سه شنبه را درج یک شکایت‌نامه به سازمان ملل متحد بفرستد و در این مورد ما اعضای شورای ملی از این تصمیم حکومت حمایت می‌کنیم».

الماس زاهد نماینده مردم پروان در مجلس نیز بیان داشت: «هر روز نیروهای امنیتی ما شهید می‌دهند؛ پارلمان باید تصمیم بگیرد که با پاکستان چه کنیم».

آقای زاهد افزود: مجلس باید طرح امنیتی و خط‌مشی سیاسی را تهیه و تصویب کند و آنرا جهت تطبیق به حکومت پیشنهاد کند که در قبال اوضاع کنونی کشور چگونه برخورد کند.

نماینده‌گان مجلس تأکید دارند که حکومت به مثابه سقف بر افغانستان است و هرگاه فرو بریزد همه مردم زیر آن خواهد شد.

که از سوی سرپرست اداره می‌شود؛ اما مطابق قانون سرپرستی هیچ اداره‌یی بیش از دو ماه نمی‌تواند توسط سرپرست مدیریت شود.

گفته می‌شود، رییس‌جمهور غنی پس از حمله روز سه شنبه کابل، موقف خود را در برابر طالبان تغییر داده و نشست مشترک شورای ملی را فراخوانده تا موضع جدیدش را اعلام کند.

عبدالروف انعامی منشی مجلس گفت: « آجندا سخنرانی رییس‌جمهور و زمان برگزاری نشست مشترک شورای ملی هنوز مشخص نشده است؛ اما ضرورت مبرم است که آقای غنی استراتژی جنگ و دشمن افغانستان را در این نشست مشخص کند».

آقای انعامی افزود: مردم افغانستان دیگر توان ندارند که تعریف مشخصی از دشمن وجود نداشته باشد و با یک جنگ مبهم رو

مجلس نماینده‌گان می‌گوید که از اعلام جنگ رییس‌جمهور بر علیه طالبان در صورتی حمایت می‌کند که آقای غنی قبل از ورود به نشست مشترک شورای ملی نامزد وزارت دفاع و امنیت ملی را جهت کسب رأی اعتماد معرفی کند.

عبدالروف ابراهیمی رییس مجلس نماینده‌گان گفت: «مجلس نماینده‌گان از موقف رییس‌جمهور غنی مشروط بر این حمایت می‌کند که قبل از ورود به نشست مشترک شورای ملی نامزد وزارت دفاع و ریاست عمومی امنیت ملی را به مجلس معرفی کند تا جنگ با مسوولیت پیش برده شود».

آقای ابراهیمی افزود: اداره وزارت دفاع و ریاست امنیت ملی توسط سرپرستان دیگر کفایت می‌کند و ادامه قانون‌شکنی هیچ توجیهی ندارد.

وزارت دفاع ملی نزدیک به دو سال است

صلیب سرخ:

جهان افغانستان را فراموش نکند



یک مقام بلندپایه در کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نسبت به سه مشکل اساسی در افغانستان از جمله تشدید خشونت‌ها، دل‌زده‌گی کشورهای حامی مالی و مسئله فرار مغزها از افغانستان هشدار داد و تأکید کرد که جهان نباید اجازه دهد افغانستان تبدیل به یک بحران فراموش شده شود.

ژان نیکولاس مارتی، رییس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ

در کشور اظهار داشت: جامعه بین‌المللی باید توجه به افغانستان را ادامه دهد. مسئله افغانستان هنوز تا تمام شدن فاصله زیادی دارد و حالا وقت بی‌اعتنایی به افغانستان نیست.

او هشدار داد که خشونت‌ها در افغانستان که به سطوح بی‌سابقه‌یی از زمان سال ۲۰۰۱ تاکنون رسیده و احتمالاً در سال آینده تشدید خواهد شد.

مارتی تصریح کرد: وضعیت امنیتی در افغانستان حقیقتاً وخیم شده است و من پیش‌بینی حتماً وخامت بیشتر را می‌کنم، ۱۸ ماهی که ما پیشرو داریم به‌طور بالقوه دورانی بسیار دشوارتر خواهد بود.

او این اظهارات را در حالی مطرح کرد که مشغول دیدار با مقام‌های دولتی در پایتخت‌های اروپایی و واشنگتن است تا به منظور افزایش حمایت‌های سیاسی، مالی و انسان دوستانه از افغانستان رأی‌زنی کند.

او در مصاحبه با روتیرز خاطر نشان ساخت:

نگران است. همچنین براساس آمار این سازمان حملات علیه تأسیسات و کارکنان بخش پزشکی در افغانستان در سال گذشته میلادی ۵۰ درصد افزایش نشان داد که حاکی از دشوارتر شدن دسترسی شهروندان به کمک‌های پزشکی بود.

مارتی در ادامه نسبت به فرار مغزها و ره‌سپار شدن طبقه تحصیل کرده متوسط افغانستان به خارج از این کشور که می‌تواند تبعات جدی برای آن داشته باشد هشدار داد.

مارتی بیان داشت: چیزی که به‌طور خاص من را نگران آینده افغانستان می‌کند این‌که من افغانستانی‌هایی را می‌شناسم که ۱۰ سال پیش به امید ایجاد آینده بهتر برای افغانستان در این کشور بودند، اما اکنون در حال آماده‌کردن خود برای فرار به اروپا و یا کانادا هستند. این به من نشان می‌دهد که آن‌ها امید خود را به آینده این کشور از دست داده‌اند.

مارتی همچنین تأکید کرد که افغانستان، به ویژه به دلیل افزایش توجه بین‌المللی به وضعیت سوریه و عراق از مسئله دل‌زدگی کشورهای حامی مالی نیز رنج می‌برد.

او افزود: ما شاهد کاهش کلی تمایل به کمک به افغانستان بودیم در حالی که وضعیت در این کشور عملاً در حال بدتر شدن است و این خطرناک است.

پیام من این است که ما نیاز داریم، اطمینان حاصل کنیم که افغانستان به یک درگیری از یاد رفته یا نادیده گرفته شده تبدیل نمی‌شود.

این مسؤل بین‌المللی تصریح کرد که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در سه ماهه اول سال‌جاری میلادی ۶۰۰ فرد زخمی جنگی را از میدان نبرد خارج کرده و این تعداد با توجه به کاهش درگیری‌ها در زمستان قابل توجه است.

آقای مارتی همچنان افزود: این نشان می‌دهد که امسال فصل درگیری برای ما دشوار خواهد بود و باید پاسخ انسانی به این وضعیت نیز با آن مطابقت داشته باشد.

این مقام کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اظهار کرد که از بابت افزایش تعداد تلفات غیرنظامیان در افغانستان که در سال ۲۰۱۵ برای هفتمین سال متوالی رکود بالایی را با کشته و وخیم شدن بالغ بر ۱۱ هزار غیرنظامی رکورد بالایی را تجربه کرد بسیار

لایحه تشکیل وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون انتخاباتی به مجلس رفت



وزیر دولت در امور پارلمانی اعلام کرد که لایحه تشکیل وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون‌های انتخاباتی کشور در اختیار نماینده‌گان مجلس این کشور قرار گرفته است.

پس از ماه‌ها کشمکش سرانجام لایحه وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون‌های انتخاباتی افغانستان در اختیار نماینده‌گان قرار گرفت.

غلام نبی فراهی وزیر دولت در امور پارلمانی به خبرنگاران گفت: بر اساس این لایحه کمیته گزینش اعضای این کمیسیون‌ها نیز آغاز به

کار خواهند کرد. عبدالروف انعامی منشی مجلس نیز با تأیید این خبر اظهار داشت که این لایحه امروز (شنبه) در اختیار پارلمان قرار گرفته است.

اواخر سال گذشته عبدالروف ابراهیمی رییس مجلس گفته بود که صلاحیت‌های کمیسیون‌های انتخاباتی و قانون انتخابات از سوی پارلمان افغانستان تأیید یا رد نشده است بنابراین ایجاد کمیته گزینش کمیسیون‌های انتخاباتی افغانستان غیرقانونی است.

حسینی رضوان

در ادبیات عرفانی و فرهنگ اسلامی ما همواره به ما توصیه شده است که در مناسبات انسانی، بنا را بر مهر و عطف و رفتار برادرانه با هم منع قرار دهیم؛ اما به راستی چرا با تمامی این حساسیت‌ها و توجهات، شاهد برخی سیر نزول اخلاق در جامعه هستیم.

در دنیای امروزه یکی از شعارها و مباحث اصلی در نهادهای آکادمیک، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی پایبندی و رعایت اصول اخلاقی در حرفه و کسب می‌باشد؛ و شاید در هیچ کشوری به مانند سرزمین‌های اسلامی که ما هم بخشی از آن بیکره عظیم استیم.

نهادهای حقوق بشر، جامعه مدنی، رسانه‌ها، علما، مساجد و صدها مرکز و تربیون تبلیغی دیگر که هر از گاهی تیترو عنوان‌شان اخلاق و توصیف از وجنات و خوبی‌های آن است، به وفور به چشم دیده و به گوش شنیده می‌شود. کمتر رسانه، عالم، مسوول و وزیری را می‌توان یافت که مزین به پندها و گزاره‌های اخلاق نباشد و به آن توصیه ننموده باشد.

تمام رسانه‌های دولتی و خصوصی در طول شبانه‌روز، اخبارشان مشحون از جملات تکراری و ملال‌آوری است که با دیدن و شنیدن آنها جز ناامیدی و یأس را به ارمغان نمی‌آورد.

گاهی اوقات تدویر برنامه‌ها و میزگردهای صورتی که در آن کارشناسان و صاحب‌نظران از اخلاق شهروندی، اخلاق حرفه‌ای، اخلاق اجتماعی، احترام به بزرگسالان، کرامت انسانی، پایبندی به اصول و موازین اسلامی و... دم می‌زنند؛ در حالی که اول کسانی که که تجاوز به همان حریم‌ها می‌کنند و آن را بی‌شرمانه و بی‌رحمانه می‌شکنند، همان‌ها می‌باشند، بی‌آن‌که خود اعتقاد یا دانشی به آن اصول و ارزش‌ها داشته باشند.

در ادبیات عرفانی و فرهنگ دینی ما نیز همواره به ما توصیه شده است که در مناسبات انسانی، بنا را بر مهر و عطف و رفتار برادرانه با هم منع قرار دهیم؛ اما به راستی چرا با تمامی این حساسیت‌ها و توجهات، شاهد سیر نزول اخلاق در جامعه هستیم و چرا اقل‌های اخلاقی جامعه این چنین چشم‌انداز یأس‌آلودی یافته است؟

روشن است، زمانی که در جامعه‌ی هنجار و ارزش‌های اجتماعی آن تغییر و جرم و رفتار غیر اخلاقی در سطحی وسیع و در مقیاسی جمعی مشاهده می‌شود، به ناگزیر صبغه جمعی و اجتماعی می‌یابد و دیگر نمی‌توان آن را صرفاً با تکیه بر بنیان‌های روان‌شناختی، عبارت‌های شبه‌فیلسوفانه در قالب جملات قصار و مشاوره روانی تبیین و درمان کرد، چرا که مسایل اجتماعی ماهیتی جامعه‌شناختی، علمی و تجربی دارند و پدیده‌های جمعی را تنها با پدیده‌های جمعی و ابزارهای جامعه‌شناختی می‌توان شناسایی و بررسی کرد.

تقلیل دادن مسایل اجتماعی به مسایل روانی صرف، موهوم و غیر تجربی چیزی جز آدرس غلط دادن، پاک کردن صورت مسئله و در سطحی بالاتر نشان دادن کالبد بیمار معلول بر جایگاه علت نخواهد بود. هزاران سال سپری شد تا انسان دریافت

ارزش‌های اخلاقی نیز به اندازه همه چیزهایی که از او صادر می‌شوند، وابسته به نگرش‌ها و باورهای درونی و بستگی به محیط اجتماعی و پرداخته به ساختارهای اجتماعی اند. معمولاً نظام‌هایی که شالوده و بنیان ساختارهای آن، استوار بر اصول و ارزش‌های حاکم بر جامعه است و برای تمامی لایه‌ها و قشرهای جامعه خود، الگوها و مولفه‌های روشن و تعریف شده دارند، حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و وفاداری

جامعه و مردم به آن، تبارز دارد. اخلاق اجتماعی از مهم‌ترین موضوعاتی است که ارتباط آدمیان را با خود، با جامعه و تاریخ مطرح می‌سازد؛ زیرا جامعه می‌تواند یک تمدن را بسازد نه یک فرد، و اجتماع انسانی پیوسته تاریخ را ساخته و به جلو برده است.

از آنجایی که در میان ادیان الهی، اسلام یک دین اجتماعی است و در آن آرمان‌ها و ایده‌های جمع‌گرا فراوان دیده می‌شود، در جای جای کتب معتبر اسلامی، که از مهم‌ترین منابع این دین است؛ به این مهم بسیار پرداخته شده و گاه و بی‌گاه جامعه و اجتماع مورد عتاب و خطاب واقع گردیده است.

آداب و رسوم هر جامعه‌ی نیز قالبی است که رفتارها را شکل می‌دهد. آدمیان هنگامی که ملزم به رعایت هنجارهای اجتماعی (که در قالب قوانین و سنن جلوه می‌کنند) باشند، در پرتو این آداب و رسوم، ساخته و ویرایش شده و مسیر سعادت خویش را بهتر می‌پیمایند،



اخلاق اجتماعی؛ گم‌شده‌ی بزرگ در زمانه ما

چنان‌که ناهنجاری‌های جامعه اگر به صورت سنت‌های ناپسند در آیند، اجتماع را از هم پاشیده و آن را به ورطه هلاکت می‌افکنند.

از نظر دین مبارک اسلام، معاشرت دارای اصول و ضوابطی است و فرد مسلمان باید در معاشرت‌های خود، کلیاتی را مراعات نماید. معاشرت، بازار تبادل اخلاق است، بسیاری از محاسن و رذایل اخلاقی از همین معاشرت معمولی انتقال و تسری می‌یابد. اگر از انسان‌های موفق بپرسید که عامل موفقیت شما چه بود؟ بی‌درنگ یکی از عوامل مهم موفقیت خود را رفاقت با دوستان خوب اعلام می‌دارند، و بر عکس اگر از انسان‌های شکست‌خورده در زندگی بپرسید: چه‌گونه به این ناکامی‌ها مبتلا گشتید؟ خواهند گفت: دوستان نااهل.

معاشرت با دوستان بد، انسان را از مسیر تکامل باز می‌دارد. به همین دلیل مسلمان، باید دوستان خود را با صلاح‌دید دین خود انتخاب نماید، یعنی در خصوص این‌که با چه کسانی معاشرت نماید و با چه کسانی معاشرت ننماید، باید نظر اسلام را جویا شود.

رفق و مدارا، به معنی حلم، نرمی و ملایمت با مردم و تحمل و شکیبایی در برابر تندخویی دیگران، از مهمترین آداب معاشرت اسلامی است. انسان در جامعه‌ی زندگی می‌کند که در آن افراد مختلفی وجود دارد. و اگر در برابر درشتی دیگران و کج‌خلقی‌های آنان مدارا ننماید، باید یا دست از معاشرت بکشد و گوشه‌انزوا اختیار کند و یا این‌که با بیماری‌های عصبی و روانی دست‌وپنجه نرم کند. نرمی، مایه هدایت و ارشاد جاهل است. و تأثیر آن از پاسخ متقابل بسیار بهتر است. خداوند وقتی موسی و هارون را مأمور می‌کند تا به کاخ فرعون بروند؛ به آنها می‌گوید: «به سراغ فرعون بروید و با نرمی با او سخن بگویید، شاید بترسد و یا هدایت شود.»

در موفقیت پیغمبر اسلام (ص) عوامل مختلفی نقش داشتند، ولی مهم‌ترین عامل موفقیت پیامبر اکرم (ص) نرم‌خویی و مدارای ایشان بود. چنان‌چه در قرآن مجید می‌خوانیم «پس با رحمت پروردگار برای آنان نرم گشته‌ی و اگر سخت‌دل بودی از اطرافت پراکنده می‌شدند.» و چه بسیار انسان‌هایی که به واسطه همین صفت، به آغوش اسلام گرویده‌اند.

انسان با تمام قدرت و توانایی‌های انکار ناپذیرش، موجود «عکس‌العمل» است! به این معنا که او ذاتاً نه خوب است و نه بد، بلکه به مانند هر موجود ذی‌حیاتی در برابر محیط و بر اساس غریزه بقا و کنش نشان می‌دهد. هرگاه

زیست او در محیطی شکل‌بند که ساختارهای آن، امکانات و منابع زندگی را عادلانه و بر اساس شایستگی‌هایش تقسیم می‌کند، گرایش او به زندگی اخلاقی و فضیلت‌های جمعی بیشتر خواهد بود. به سبب آن‌که اولاً محیط خود را عادلانه و اخلاقی می‌داند، ثانیاً نفع خود را در پیروی از ساختارهای جامعه و پیگیری یک زندگی اخلاقی می‌داند.

پی بر بردیو جامعه‌شناس شهر فرانسوی می‌گوید: «من، به مثابه یک جامعه‌شناس می‌دانم که اخلاق تنها در صورتی کارایی دارد که بر گروهی از ساختارها تکیه زند، ساز و کارهایی که سبب شوند مردم سودی در رعایت اخلاق داشته باشند و برای آن‌که چیزی همچون یک دغدغه اخلاقی ظاهر شود، لازم است چنین دغدغه‌ی ریشه در ساختارها داشته و به وسیله همان ساختارها تغذیه و پاداش گیرد.» جوامعی که در آن رعایت کردن اخلاق و منافع فردی به دلیل مکانیسم‌های ناکارآمد اجتماعی آن‌چنان نسبت معکوسی با یکدیگر یافته‌اند که رعایت یکی مستلزم از دست دادن کامل دیگری است، برای زندگی اخلاقی یا احتیاج به ابرانسان‌هایی با فضیلت‌های بزرگ و طاقت‌های فوق بشری دارند یا این‌که صحبت از اخلاق و زندگی اخلاقی در سطح پند و اندرز و شعارهای بزرگ در جا خواهد شد.

امروزه اخلاق به امری نهادی و ساختاری بدل شده و این ساختارها و مکانیسم‌های اجتماعی اند که وظیفه هدایت اخلاقی جامعه را بر عهده گرفته‌اند.

در جوامعی که سازوکارهای اجتماعی از عمل اخلاقی فرد حمایت نمی‌کنند و از طرفی قادر به مجازات شکننده‌گان حریم اخلاقی جامعه نیستند، اخلاق اجتماعی و فضیلت‌های جمعی، گمشده بزرگ این جوامع خواهند بود. شاید نیازی به گفتن نباشد که زندگی اخلاقی، چیزی بیگانه با فرهنگ غنی اسلامی ما نیست. بزرگان و عارفان ما همواره بر روی این اصل تأکید داشته‌اند که یکی از راه‌های رسیدن به خداوند، همانا از خلق او می‌گذرد. و به کرات گوشزد کرده‌اند که یکی از معیارهای دوری و نزدیکی انسان به خدا، نحوه رفتار او و طرز سلوکش با نزدیکان و دیگر انسان‌هاست.

نگاهی گذرا به زندگی پاکبازانه و سرشار پیامبر بزرگ اسلام (ص) و رفتار کریمانه‌ی که آن بزرگوار در طول حیات‌شان با مردم داشته‌اند، برای پی بردن به صدق این معنی کفایت می‌کند.

بخش نخست

۳۰ باور محدود کننده درباره پول

«یکی از دلایلی که خیلی از مردم پول ندارند این است که مدام دارند بی‌سروصدا یا آشکارا، آن را محکوم می‌کنند.»

باور افراد درباره پول، نقشی به‌مراتب بزرگ‌تر از آن‌چه که اکثرشان تصور می‌کنند، در سطح ثروت و لذت و رضایت‌شان از آن ثروت، بازی می‌کند.

در واقع، بیشتر مردم تصور نمی‌کنند که باورهای‌شان در موفقیت مالی یا عدم آن، نقش داشته باشند. بیشتر مردم هرگز در مورد باورهای‌شان فکر هم نمی‌کنند. ما فقط طبق باورهای‌مان اقدام می‌کنیم.

در این مقاله، چندین باور واقعی درباره پول از افراد حقیقی شرکت‌کننده در کارگاه‌ها و کلاس‌های واقعی، ارایه می‌شود.

این باورها، جریان پول را به درون زنده‌گی‌های بی‌شماری قطع می‌کنند- یا آن را به جریانی باریک و بسیار ناچیز، کاهش می‌دهند. بعضی از این باورها برای‌تان آشنا هستند و بعضی دیگر آن‌قدر خاص و استثنایی‌اند که عجیب و غیرعادی به نظر می‌رسند.

گاهی وقت‌ها، یک باور می‌تواند برای یک نفر زنده‌گی‌بخش باشد و برای یکی دیگر، نابودکننده زنده‌گی. از اول تا آخر این فهرست را بخوانید و ببینید آیا با هیچ یک از این باورها احساس نزدیکی می‌کنید یا نه.

- پول، منشای همه بدی‌ها و پلیدی‌هاست.

- اگر آدم موفق باشم، مردم از من متنفر می‌شوند.

- اگر یک میلیون به دست آورم، ممکن است آن را از دست بدهم و بعد، احساس حماقت کنم و برای همیشه از خودم بیزار شوم.

- اگر خیلی بیشتر از حد نیازم پول به دست آورم، افراد زیادی مجبورند بدون پول سر کنند.

- کمتر به دست آوردن پول، بهتر از این است که مسوول رنج و سختی فرد دیگری باشم.

- اگر پول زیادی به دست آورم، به پدرم، که هرگز پول زیادی کسب نکرد، خیانت خواهم کرد.

- ثروتمندان، ثروتمندتر می‌شوند.

- فقرا، فقیرتر می‌شوند.

- رابطه برقرار کردن با پول، سخت است.

- پول درآوردن، سخت است.

منبع: موفقیت





سیاوش جمادی بخش نخست

موضوع این گفتار، کافکا و دین است. از کافکا داستان، نوشته و نامه‌های بسیاری باقی مانده است. جهان او تا حدودی دسترس‌ناپذیر و از طرفی هم دسترس‌پذیر است. دین هم مفهومی وسیع و کلی است. اگر قبلاً بر سر این دو به توافق نرسیده باشیم، نمی‌توانیم به دنبال رابطه‌ی بین این دو در آثار کافکا برویم. کافکا در دهه‌های اول قرن بیستم در امپراتوری اتریش - مجارستان و میان اجتماعی از یهودیان به نام یهودیان اروپایی می‌زیست. آنان غالباً آلمانی‌زبان بوده و حتاً در خانه هم عبری سخن نمی‌گفتند. آنان خود را روشن‌فکر می‌نامیدند. کافکا نمی‌توانست از علایقی مثل تیاتر خاص یهودیان به نام تیاتر ئیدیش یا زمزمه‌ها و آرمان‌هایی که به نام صهیونیسم مطرح می‌شد و یا دوست نزدیکش به نام "ماکس برود" که علایق صهیونیستی داشت، مبرا باشد. به بیان دیگر، او نمی‌توانست از جذبه این محافل بگریزد. اما کافکا در نهایت، در آثار هنری و داستانی‌اش به هیچ‌یک از مسایلی که در فرقه‌های عرفانی یهودی از جمله فرقه کاباله یا حسیدی یا صهیونیست‌ها، یا فرقه عرفان‌گرای رودلف اشتاینر بود، نمی‌پردازد.

اگر به دفترچه روزانه کافکا یا به کتابی با عنوان "گفت‌وگو با فرانتس کافکا" رجوع کنید، متوجه می‌شوید کافکا چه‌قدر در قبال زمزمه‌هایی که صحبت از رستگاری و نجات و امید بستن به عوالم رهایی و غیره‌ی که اساس بسیاری از ادیان است، ساکت است. او نه ملحد است و نه کافر؛ بلکه می‌گوید: «من در میله‌های آهنی و ذهنیت خود محصورم. من نه می‌توانم متشرع و نه متعارف باشم.»

و اساساً نسبت به این زمزمه‌ها بدبین و در آن‌ها نوعی خودفریبی می‌بیند. حال مسأله ارتباط کافکا و دین از کجا به‌وجود آمده است؟ چه انگیزه‌ی در تفسیرهای متعدد از کافکا وجود دارد که تفسیرهای دینی از او جایگاه خاصی را اشغال کرده است؟

کمتر نویسنده‌ی را می‌توان یافت که به اندازه کافکا تفسیرپذیر باشد. نوشته‌های او بر اساس نظر یکی از معروف‌ترین مفسران او یعنی "والتر بنیامین"، تجدید فرم اسطوره و تمثیل در ادبیات جدید است. به نظر می‌آید، این بنا به ضرورتی انجام شده است. اول این‌که چرا ادبیات کافکا شکل تمثیل و اسطوره یا به نوعی زبان خاص دینی دارد؟

همان‌طور که می‌دانید، والتر بنیامین منتقد بسیار دقیق و ژرف‌کاوی است که متأسفانه در حوادث سال‌های ۱۹۴۰ یعنی اوایل دهه ۴۰ قرن بیستم در سن ۴۰سالگی در حال گریز از فرانسه در کوه‌های پیرینه به طرز مرموزی می‌میرد. طبق گزارش‌های هانا آرنست که از نزدیکان بنیامین بود، او خودکشی می‌کند تا به دست نازی‌ها که فرانسه را اشغال کرده بودند، نیفتد.

والتر بنیامین در نقدی درباره آثار فرانتس کافکا در کتاب "نشانه‌ی به رهایی" به نکته‌ی درباره هوای آثار کافکا اشاره کرده، می‌گوید: «هوای آثار کافکا نوعی هوای روستایی است و این هوایی است که آثار همه بنیان‌گذاران ادیان در آن شکل گرفته است.»

بیشتر تفاسیر دینی درباره آثار کافکا برون‌متنی‌اند. من منکر تفسیر برون‌متنی نیستم. ولی معتقدم برای

دست‌یابی به جهان کافکا نباید از هیچ چیز او گذشت، از یادداشت‌های پراکنده و خصوصی تا نامه‌هایی که قصد نابودی‌اش را داشت و توسط دوستانش مثل "ماکس برود" نجات یافت. من معتقدم تفسیر برون‌متنی باید خود را با شخصیت نویسنده به گونه‌ی پیوند دهد.

وقتی یادداشت‌های روزانه او را بررسی می‌کنید، در واقع افکار او پیش چشم شماست. هر چند "مورس بلانشو" می‌گوید به این‌ها اعتماد نکنید. او نکته جالبی در مورد کافکا به‌خصوص در رابطه او با زن‌ها بیان می‌کند. او می‌گوید: «کافکا با دیگری همواره دگر بود. کافکا هرگز شخصیت حقیقی خود را حتاً به "ملینا" که بسیاری معتقدند او تنها زنی بود که کافکا با تمام وجود، حضور خود را در برابر او عریان کرد و به او اعتقاد داشت، به ملاحظه شخص مقابلش، کاملاً عیان نکرد.»

«سوزان سانتاگ» با تفسیرهای ولنگ و باز درباره کافکا مخالف است. سانتاگ تفسیرهای درباره کافکا را در مقاله معروف «علیه تفسیر» به سه لشکر تقسیم می‌کند: «تفسیرهای اجتماعی» درباره آثار کافکا غالباً مدعی‌اند و آثار او از قدرت و بوروکراسی و دیوان‌سالاری خشک و آهین صحبت می‌شود که در زمانه ما در دوران مدرن در تمامی نسوج و روابط انسانی حاکم است. «تفسیرهای روان‌کاوانه» آثار کافکا که به قول سانتاگ لشکر دیگری را تشکیل می‌دهند، غالباً به رابطه کافکا با پدرش تأکید می‌کنند و مسایلی چون عقیده ادیب را پیش می‌کشند. «تفسیرهای متافیزیکی» یا مابعدالطبیعی که امروز مورد بحث من است، لکشر دیگری از این تفاسیر را تشکیل می‌دهند. سوزان سانتاگ می‌پرسد با این انبوه تفسیرها چه باید کرد؟

کافکا و دین؛ امکان یا امتناع؟

این مشکل واقعاً به تفسیرپذیری کافکا برمی‌گردد. کافکا شخصیتی بسیار تفسیرپذیر دارد. یکی از مفسران کافکا که بسیار دقیق آثار او را تفسیر کرده، "مورس بلانشو" است. او معتقد است ویژه‌گی آثار کافکا اساساً باز‌نمودی است از ویژه‌گی شخصیت کافکا. این ویژگی‌ها گاه عیان و گاه نهان‌اند. اما مسأله صرفاً نوعی بیان حدیث نفس و بازگو کردن ویژگی‌های شخصی نیست. کافکا از اصطکاک ویژه‌گی‌های شخصی‌اش با مقررات و به‌طور کلی قدرت صحبت می‌کند.

به عقیده بلانشو جوهره آثار کافکا، اصطکاک‌ی بین شخصیت و خود بودن است با نیروهای بیرونی که مانع خود بودن‌اند. بلانشو بر آن است که کیرکه‌گور به گونه‌ی تکلیف خود را با این مسأله روشن کرده بود. زیرا ویژه‌گی‌ها را به درون و باطن خود سوق می‌داد. اما کافکا نمی‌تواند به درون خود عقب‌نشینی کند، چون در آن صورت دچار خودفریبی و وحشتناکی می‌شود که حاصل آن نوعی شرمساری است که در واپسین جمله «محاکمه» نمود پیدا می‌کند. یعنی حتاً بعد از این‌که "جوزف کا" در واپسین صحنه محاکمه به وسیله دژخیمان کشته می‌شود، آن شرمساری هنوز به قوت خود باقی است.

این صحنه جای تأمل دارد. بلانشو این شرمساری را اصطکاک وجود حقیقی قهرمان با دنیای بیرون می‌داند. اما تفسیر "ماکس برود" از جمله دوستان نزدیک کافکا هم قابل توجه است. ماکس برود یهودی، معتقد به

یهودیت و صهیونیست است. او در دانشگاه تل‌آویو کرسی استادی دارد. او همان‌قدر که با کافکا دوست صمیمی بود، به قول بعضی از مفسران، از کافکا دور بود. تا جایی که کافکا در یادداشت‌های شخصی خود تصریح می‌کند که او و ماکس برود به دو دنیای کاملاً متفاوت تعلق دارند. از جمله شواهد این افتراق این است که ماکس برود و کافکا هرگز نمی‌توانند اثری مشترک بنویسند. گرچه در این زمینه تلاش می‌کنند و رمان نیمه تمامی هم به نام "ریچارد و ساموئل" از این همکاری ناتمام باقی مانده است. علت هم اختلاف شدید این دو از نظر سبک، دیدگاه و جهان بینی بود. ماکس برود اصرار زیادی دارد که از آثار کافکا تفسیری متافیزیکی و مابعدالطبیعی استخراج کند. یکی از دلایل او و مفسران دینی دیگری از جمله مارتین بوبر و "برنارد رانگ"، رمان «قصر» کافکا و فروبسته‌گی قصر نسبت به قهرمان داستان است. در رمان قصر، مساک‌ها به شدت فعالند، ولی متولیان و زعمای قصر به‌شدت مردم‌گریز، کثیف، آلوده، پنهان و منفعل و بی‌خاصیت‌اند. نمی‌شود به هیچ چیز آن‌ها اعتنا کرد.

دینی در آثار

فرانتس کافکا

بسیاری از خصوصیات رمان قصر بازگفتی است از الوهیتی که در فرقه‌های عرفانی یهودی مجسم می‌شود. به عنوان مثال در یکی از فرقه‌های عرفانی یهودیت یعنی کاباله، تصویری خاص از جهان الوهیت و ساحت "یهوه" عرضه می‌شود. به این معنی که اگر تمام جهان خودشان را در برابر ساحت مقدس و باشکوه "یهوه" چاک چاک کنند، او به انسان هیچ اعتنایی ندارد. سا حتی دور از دسترس است و هرگز همچون مسیحیت که ملکوت الهی درون شماست یا اسلام که خدا از شما برگردن به انسان نزدیک‌تر است، وجود ندارد. نسبت منشای الهی با عالم انسانی نسبتی ذی‌مراتب است. شبیه پرتو نوری است که شعاع‌های مختلفش در مراتب مختلف بازتابیده می‌شود. از مافوق به مادون طی یک سلسله‌مراتب تا به مادون‌ترین مرحله‌اش یعنی انسان و طبیعت می‌رسد. بشر با منشای اصلی هرگز رابطه پیدا نمی‌کند. این مراتب مختلف، نامرسان و پیک‌هایی دارند که در آثار کافکا مثل "قیام امپراتوری" و "دهکده بعدی" پیک‌ها نقش عمده‌ی بازی می‌کنند. بنابراین مفسران او معتقدند تصویری که در قصر مشاهده می‌شود، تصویری است از جهان نوافلاطونی عرضه شده در برخی از مکاتب عرفانی یهود.

والتر بنیامین در عین این‌که با ماکس برود مخالفت می‌کند، اما خود هم در آثار کافکا صیغه‌های دینی و مذهبی می‌جوید. بنیامین چند داستان از تلمود نقل می‌کند که شباهت بسیار زیادی با ماجرای رخ داده در رمان «قصر» دارند. از جمله داستان تلمودی شاهزاده خانم تبعیدی است. قهرمان این داستان به شهری تبعید شده که نه او و نه مردم آن شهر، زبان همدیگر را نمی‌فهمند.

او همواره منتظر پیامی رهگشا و به قول حافظ پیک فرخ‌بی است که آمده و فروبسته‌گی در قصر را بگشاید. کسی که در داستان تلمودی باید ظاهر شود، مسیح تلمودی است. شاهزاده خانم روح و آن دهکده جسم و طبیعت است.

والتر بنیامین این مسأله را از دیگران نقل می‌کند. ولی تطابق عجیبی بین این داستان تلمودی با ماجرابی که در رمان قصر اتفاق می‌افتد، وجود دارد.

همان‌طور که قبلاً گفته شد، مساک‌ها فعال‌ترین شخص همه آثار کافکا هستند؛ شخصیتی که انفعال دست‌یابی و دست‌یازی و چنگ زدن به ساحت دوردستی که در آغاز رمان قصر در پشت ابر و برف‌ها پنهان بود، آغاز می‌کند. در مراتب مختلفی که در عرفان کاباله بین مبداى اعلاء تا مادون توصیف می‌شود، مراتب مادونی و پایینی بسیار کثیف‌اند. بیشتر شبیه صحنه‌هایی‌اند که در آثار کافکا مثل صحنه‌های مربوط به زنان دیده می‌شود.

داستان‌های زیادی در تلمود و آثار مذهبی وجود دارد تا این شباهت را تداعی کنند که کافکا قصد دارد در قصر، بازگفتی از عرفان یهودی به نمایش گذارد.

«مارتین بوبر» از مفسران دیگر آثار کافکا است. بوبر از متفکران بزرگ یهودی است که رگه‌ی از فیلسوفان اگزیستانس هم در او وجود دارد. برخی از کتب او هم به فارسی ترجمه شده است. در آثار بوبر با نوعی سکولاریزه کردن رابطه عرفانی انسان و خدا در دین مواجهیم. رابطه من - او در دین به رابطه من - تو تبدیل می‌شود. مارتین بوبر کتابی هم به این نام دارد. او در مقاله‌ی، تفسیر دینی مجاب‌کننده‌ی از کافکا به دست می‌دهد. او می‌گوید: «می‌توان از کافکا تفسیری دینی به طریق سلبی و منفی ارایه داد.» به اعتقاد او، کافکا تا مرزهای کفر پیش می‌رود.

من در کتابی به نام "یادبود ایوب در جهان کافکا"، جهان او را بنا به دریافت شخصی‌ام، نوعی مرتبط با اعتراض ایوب در کتاب مقدس می‌دانم. من قادر نیستم عظمت این متن دراماتیک بسیار کهن را برای‌تان بازگو کنم. داستان ایوب در متون دینی یهود غیر از داستان مطرح‌شده در قرآن کریم است. در قرآن کریم داستان ایوب چندان به تفسیر گفته نمی‌شود. تا آنجایی که من تحقیق کردم، قرآن کریم در چهار جا از صبر ایوب در برابر وسوسه‌های شیطان سخن می‌گوید.

داستان ایوب در عهد عتیق، ماهیتاً داستان دیگری است. در این‌جا شیطان است که خدا را وسوسه می‌کند. ایوب بنده صالح خداست، او دارای کشت‌زاران وسیع، قلبی پاک و پُر از مهر و محبت به همه انسان‌ها و دارای فرزندانى صالح است. ایوب هم به‌طور مداوم شکرگزار خداست. شیطان، خدا را وسوسه می‌کند که شکرگزاری ایوب ناشی از خوشی و راحتی و تنعم اوست، اگر می‌خواهی بدانی او واقعاً تو را حمد می‌کند، نعمت‌هایت را از او بگیر. خدا هم یکایک نعمت‌ها را از او می‌گیرد.

از طرفی هرچه بلاست، از فقر و بیماری یک‌جا بر او نازل می‌کند. او به مجسمه تمام دردهای انسانی تبدیل می‌شود. ایوب در حالت دردمندی خود، به جای بیان درد خود، به سخن‌گوی همه دردمندان عالم تبدیل می‌شود. مدافعه ایوب در برابر "یهوه" که پشت ابرها با گوش‌های بی‌اعتنا و خاموش پنهان شده، فریاد "جوزف کا" و فریاد "مساک‌ها" است. البته این تفسیر من است که آن را با آب‌وتاب بیان کردم.

مارتین بوبر این تفسیر را به ایوب ارجاع نمی‌دهد، بلکه به‌طور کلی به این مسأله اشاره می‌کند که در دین مسیحیت فرقه‌ی به نام "پولینیسم" وجود دارد (پيروان سنت پل) که در زمان کافکا، این فرقه مسیحی بر کلیسای مسیحی جمهوری هابسبورگ حاکم بوده است. مسایل فوق نشان می‌دهد که در ادبیات، قدرت تعمیم مسایل این‌جایی و اکنونی وجود دارد. در وادی ادبیات، نویسنده برخلاف فیلسف، از مسایل این‌جایی و دردهای حاضر در زمانه‌اش متأثر می‌شود. ما امروز در زمان خودمان زنده‌گی می‌کنیم. در عرصه سیاست، اجتماع، رابطه قدرت - ملت و مناسبات قدرت با درگیری‌هایی مواجهیم.



«عزای ملی رعایت نمی شود»

ناحیه نوری

هیچ یک از مقامات ارشد حکومتی در مراسم ختم قرآن کریم که به خاطر گرمی داشت از قربانیان رویداد سه شنبه هفته گذشته برگزار شده بود، شرکت نکرده‌اند.

شماری از عالمان دین با بیان این مطلب می‌گویند: یکی از دلایل کم‌رنگ برگزارشدن مراسم ختم قرآن برای شهدای رویداد سه‌شنبه هفته گذشته، ترس عالمان دین از طالبان است.

به گفته آنان، طالبان در میان علمای دین نفوذ زیادی دارند و بعضی از مولوی‌های مساجد هستند که مخالفین را راضی نگه می‌دارند و به همین دلیل مراسم ختم قرآن کم‌رنگ برگزار شد.

با این حال، شماری از روزنامه نگاران با انتقاد از رسانه‌ها می‌گویند: رسانه‌ها باید با مردم که مخاطب اصلی آنان اند، غم شریکی کرده و عزای ملی را که روز جمعه اعلام شده بود، رعایت می‌کردند.

به باور آنان: اما شاید رعایت نکردن عزای ملی از سوی رسانه‌ها به خاطر ترس باشد، زیرا مسوولان رسانه‌ها فکر می‌کنند که اگر با مردم غم شریکی کنند، مورد حمله تروریستان قرار گیرند.

این واکنش‌ها پس از آن ابراز می‌شود که حکومت به منظور احترام به قربانیان حمله انتحاری هفته گذشته کابل، دو روز عزای عمومی اعلام کرده و رییس جمهوری غنی، دستور داده بود که جمعه سوم ثور (اردیبهشت) پرچم افغانستان در داخل و خارج کشور نیمه افراشته شود.

او از علمای سراسر کشور خواسته بود که به منظور ارج‌گزاری به جایگاه تمام قربانیان در کابل ولایت‌ها پس از ادا نماز جمعه، مراسم ختم قرآن برگزار کرده و به ارواح قربانیان دعا کنند، اما ضمن اینکه مراسم ختم قرآن در مساجد بسیار کم‌رنگ، رسانه‌ها نیز توجه چندانی به آن نکردند.

مولوی حبیب‌الله حسام خطیب مسجد باغ بالا شهر کابل، دلیل کم‌رنگ بودن مراسم ختم قرآن برای شهدای سه‌شنبه هفته گذشته را فاصله کلان میان علما و حکومت می‌داند.

این عالم دین می‌گوید: فاصله میان عالمان دین و نظام حاکم سبب شده تا علمای دین فرمایشات رییس‌جمهور را اطاعت نکنند.

به گفته این عالم دین: مسله بسیار مهم دیگر اینکه علمای دین یک جریان بی‌دفاع هستند و از جریان‌های سیاسی می‌ترسند، بنابراین نمی‌توانند خود را به خطر بی‌اندازند. مولوی حسام به این باور است که طالبان در میان علمای دین نفوذ زیادی دارند و بعضی از مولوی‌های مساجد هستند که هم مخالفین را راضی نگهدارند و هم دولت را که این مساله تاثیر زیادی داشت.

مولوی حسام، دلیل دیگر کم‌رنگ بودن مراسم ختم قرآن را بی‌علاقگی حکومت عنوان کرده گفت: زمانیکه حکومت بخواهد برنامه‌ی را توسط علمای دین اجرا کند، هم به دروازه آنان می‌رود، هم مکتوب ارسال می‌کند، هم پول می‌دهد و هم وزیر صاحب را به نزد آن می‌فرستد.

او تاکید کرد: زمانیکه بخواهند برای اجرایی برنامه‌ی



از علمای دین تایید بگیرند، به درب آنان می‌رود و آنان را به میدان می‌کشاند، اما زمانیکه لازم نداند، به یک اعلامیه اکتفاء می‌کنند.

مولوی حسام با رد ادعا شماری از رسانه‌ها که گفته بودند مراسم فاتحه‌خوانی بسیار کم‌رنگ بوده گفت: اکثریت مساجد مراسم فاتحه‌خوانی و ختم قرآن داشتند و این طور نبوده که هیچ ختم قرآنی نشده است.

وی تصریح کرد: در کابل بیش از ۲۰۰۰ مسجد وجود دارد و رسانه‌ها ۵ تا ۱۰ مسجد معروف شهر را پوشش دادند، در حالیکه اکثریت مساجد شهر کابل در این خصوص سخنرانی‌ها و مراسم فاتحه داشتند و به روح شهدای سه هفته گذشته دعا کردند.

صدیق‌الله توحیدی مسوول دیده‌بان رسانه‌های آزاد یانی می‌گوید: تمام رسانه‌ها مسوول اند تا عزای ملی را که به دلیل آسیبی که به تعدادی زیادی از شهروندان رسیده باشد، رعایت کنند.

به باور او: رعایت نکردن عزای ملی از سوی شماری از رسانه‌ها که ممکن است به دلیل عدم آگاهی آنان صورت گرفته باشد، فاصله میان شهروندان و رسانه‌ها را بیشتر می‌کند.

مسوول دیده‌بان رسانه‌های آزاد تاکید کرد: شاید شماری از رسانه‌ها گمان کنند که عزای ملی مربوط به سکتور خصوصی نمی‌شود و آن را رعایت نمی‌کنند و من این عملکرد رسانه‌ها و به خصوص رسانه‌های تصویری را یک عمل نادرست می‌دانم.

او می‌گوید: شاید هم رعایت نکردن عزای ملی از سوی رسانه‌ها به خاطر ترس باشد، زیرا مسوولان رسانه‌ها فکر کنند که اگر با مردم غم شریکی کنند، مورد حمله تروریستان قرار گیرند، درحالیکه همواره طالبان خبرنگاران را مورد حمله قرار داده اند.

توحیدی خطاب به رسانه‌ها گفت: زمانیکه دائر یک رویداد از سوی حکومت عزای ملی اعلام می‌شود، رسانه‌ها که مخاطب اصلی آنان مردم هستند، خصوصاً رسانه‌های تصویری اخلاقاً به این مساله توجه کنند و خود را با خانواده‌های غم‌دیده شریک بدانند.

اما سیدمظفر دره صوفی روزنامه نگار می‌گوید: رسانه اخلاقاً ملزم هستند که با مردم همراه و همگام باشند نه قانوناً؛ از سویی هم این گونه اعلامیه‌ها بیشتر جنبه سیاسی پیدا می‌کند تا یک فراخوان عمومی و قابل قبول برای همه‌گان.

او می‌افزاید: رعایت نکردن رسانه‌ها بیشتر برای مخالفت با اعلام حکومت است، زیرا رسانه‌ها می‌پرسند که اگر حکومت واقعا می‌خواهد خون مردم حفظ شود، پس باید به وظایف خود عمل کنند.

این روزنامه نگار تاکید کرد: بیش از یکسال است که وزارت دفاع ملی افغانستان و ریاست امنیت ملی با سرپرست اداره می‌شود؛ بنابراین اگر حکومت پای‌بند به حفظ خون مردم است، پس باید برای وزارت دفاع وزیر پیشنهاد کند.

سید محمد علی رضوانی روزنامه نگار می‌گوید: بدون شک عملکرد دیروز شماری از رسانه‌های تصویری در خصوص عزای ملی، دیدگاه منفعت طلبانه بود، اما حکومت در اجرای نادرست مراسم عزای ملی مقصر اصلی است.

به باور این روزنامه نگار: چون حکومت نسبت به این مساله بسیار سرد برخورد کرد؛ بنابراین رسانه‌ها هم این مساله را جدی نگرفتند که جای بس تاسف است.

وی تاکید کرد: عزای ملی یک امر ملی است و مسوولیت رسانه‌ها بود تا با رعایت این امر، با مردم غم شریکی کرده و با آنان هم‌نوا می‌شدند، اما چون دولت در این مساله جدی نبود، بنابراین رسانه‌ها به آن زیاد توجه نکردند.

به گفته او: باید مقامات ارشد حکومتی برای شرکت در ختم قرآن پیش قدم می‌شدند و در عزای خانواده‌های داغ دیده خود را شریک می‌کردند؛ اما متأسفانه هیچ یک از مقامات حکومتی در این مراسم شرکت نکردند.

در حمله روز سه‌شنبه هفته گذشته کابل ۶۴ نفر کشته و ۳۴۷ نفر نیز زخمی شدند. این حمله یکی از خونین‌ترین حملات گروه طالبان بود.

در ساعات اول روز سه‌شنبه دو مهاجم انتحاری ساختمان واحد محافظت از رجال برجسته مربوط اداره امنیت ملی افغانستان را هدف قرار دادند.

برخی از رسانه‌ها مدعی شدند که روسیه برای جلوگیری از نفوذ داعش به آسیای میانه با طالبان همکاری می‌کند.

اما طالبان اعلام کردند که برای سرکوب داعش نیاز به کمک هیچ کشوری ندارند.

همچنین جان کربی سخنگوی وزارت امور خارجه امریکا گفته بود که به رسمیت شناختن طالبان به عنوان سازمان غیرتروریستی توسط روسیه برای پیشبرد روند سیاسی در افغانستان کارآمد و کمک‌کننده بود.

کربی در این مورد افزود که این یک رویکرد مشابه به رویکردی است که در حال حاضر پس از دو سال به آن دست یافتیم.

ضمیر کابلوف فرستاده ویژه رییس‌جمهور روسیه به افغانستان گفته بود که در صورتی که طالبان شرایط صلح ملی را بپذیرند و از اقدامات تروریستی دست بردارند تا به نیرویی سیاسی در آینده تبدیل شوند، روسیه این گروه را به عنوان گروه غیر تروریستی به رسمیت خواهد شناخت.

پروژه برق "کاسایکهار" راه می‌افتد

وزرای انرژی افغانستان، قرغیزستان، تاجیکستان و پاکستان اسناد تطبیق پروژه کاسایکهار و آخرین تصامیم در مورد اجرایی شدن آن را در نشست بین‌الحکومتی پروژه کاسایکهار نهایی کردند.

قرار است پروژه کاسایکهار با درخواست تاجیکستان به تاریخ ۱۲ می ۲۰۱۶، به صورت رسمی و طی مراسمی با حضور هیأت‌های عالی‌رتبه چهار کشور، نمایندگان بانک‌های توسعه مالی، کشورهای تمویل کننده و نهادهای حمایتی، در تاجیکستان افتتاح شود. در این مراسم، از جانب جمهوری اسلامی افغانستان، دکتور عبدالله رییس اجرائیه اشتراک خواهد کرد.

کاسایکهار یکی از پروژه‌های بزرگ منطقه‌ی آسیای مرکزی به شمار می‌رود که برای اولین بار در سال ۲۰۰۵ از سوی پروژه کنفرانس همکاری‌های اقتصادی منطقه ای (رکا) معرفی گردید.

به نقل از خبرنگار وزارت امور خارجه، پروژه کاسایکهار انرژی برق مازاد قرغیزستان و تاجیکستان را با ۱۲۵۰ کیلومتر لین ولتاژ بلند به افغانستان و پاکستان انتقال می‌دهد. این پروژه دارای دو استیشن تغییردهنده برق ای سی به دی سی و برعکس آن در مناطق سنگنوده جمهوری تاجیکستان به ظرفیت‌های (۱۳۰۰ میگاوات) تا نوشیره پشاور خواهد بود. یک دستگاه ترانسفارمر ولتاژ بلند در حوزه برقی پلخمیری تأسیس خواهد شد تا برق مورد نیاز افغانستان (۳۰۰ میگاوات) و انتقال آن به پاکستان نیز تأمین شود.

مجموعه بودجه این پروژه در حدود ۱.۱۷ میلیارد دلار تخمین زده شده است و تا به حال بانک جهانی، ایالات متحده، انگلستان، بانک سرمایه گذاری اروپایی و بانک توسعه اسلامی در مورد رفع خلأ مالی این پروژه تعهد نموده اند.

افغانستان سالانه معادل ۴۵ میلیون دلار از ترانزیت برق به پاکستان عاید به دست خواهد آورد.

مولوی معروف

استاد دانشگاه کابل بازداشت شد



وزارت تحصیلات عالی افغانستان می‌گوید که مولوی معروف راسخ، استاد دانشگاه کابل در قید اداره امنیت ملی به سر می‌برد.

فیصل امین سخنگوی وزارت تحصیلات عالی طی به خبرگزاری رصد گفت که مولوی معروف راسخ بیرون از ساحه دانشگاه و حوزه تحصیلات عالی از سوی اداره امنیت ملی بازداشت شده است.

سخنگوی وزارت تحصیلات عالی جزئیاتی در مورد دلیل و زمان دستگیری مولوی معروف راسخ ارائه نکرد اما گفت، زمانی که اداره امنیت ملی معلومات را در این مورد با ما شریک بسازد، ما این معلومات را در اختیار رسانه‌ها قرار می‌دهیم.

مولوی معروف راسخ، استاد دانشکده شرعیات دانشگاه کابل است.

او، امام جمعه مسجد کویب الخیر در مقابل خوابگاه پسرانه دانشگاه کابل نیز بوده است. به اساس گزارش‌های منتشر شده، وی به دلیل ترویج افراطگرایی در پوهنتون کابل، از سوی اداره امنیت ملی بازداشت شده است.

پیش از این نیز اداره امنیت ملی کشور، شماری از محصلین دانشگاه نگرهار را به دلیل حمایت از گروه‌های تروریستی بازداشت کرده بود.

سفارت روسیه در کابل:

ارتباطی با طالبان نداریم



مسکو با طالبان را بی‌اساس خواند. بر اساس این اطلاعیه، اظهارات ضمیر کابلوف نماینده ویژه روسیه برای افغانستان در مورد ارتباط مسکو با گروه طالبان تحریف شده است. پس از حمله انتحاری خونین هفته گذشته در کابل برخی از رسانه‌ها مدعی شدند که روسیه با طالبان همکاری دارد.

اما سفارت روسیه در کابل به شدت این اظهارات را رد و آن را بی‌اساس خوانده است. گروه طالبان نیز گزارش‌های همکاری با روسیه را رد کرده است.

سفارت روسیه در کابل تاکید کرده است که مسکو هیچ گونه همکاری و ارتباط با گروه طالبان و سایر گروه‌های دهشت افکن در افغانستان ندارد. سفارت روسیه در کابل با انتشار اطلاعیه‌ی همکاری

فیسبوک نامه



جمشید یما امیری

مردمی که پانزده سال تمام بر سر یک واژه می‌جنگند و بر هم دیگر لعن و نفرین می‌فرستند، سزاوار روزگاری بدتر از این‌ها هستند.

کل دنیا در برابر همدیگر منعطف گردیدند و حاضر شدند به ارزش‌ها، هنجارها، اخلاقیات، زبان و در نهایت باورهای همدیگر احترام بگذارند و تنوع و تکثر را به عنوان یک اصل اجتناب‌ناپذیر، سرمشق راه خویش قرار بدهند. اما انسان این جغرافیا، گویی از جنس دیگر است: تغییرناپذیر، نامنعطف، متعصب و کوتاه‌اندیش.

در یک جامعه متکثر، هیچ گروه اجتماعی و قومی نباید به خود اجازه دهد به کاربران زبان دیگر چارچوب وضع کند تا از چه مفاهیم و واژگانی کار گیرند و چه واژه‌هایی را در گفتار روزانه و مکاتیب خویش به کار نبرند.



سمیع مهدی

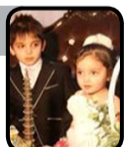
قانون اساسی ۱۳۴۳ ساختار سنتی قدرت (تمرکز یک‌جانبه و مطلق قدرت در خاندان شاهی) را به شکل نرم برهم زد و اعضای خانواده، به استثنای شاه، از قدرت بیرون رانده شدند. این تحول نقطه عطف برای مدرن‌سازی نظام سیاسی افغانستان بود. اما کودتای ۱۳۵۲ ساختار جدید تقسیم قدرت را از میان برد و خود نتوانست روش پایدار تقسیم یا گردش قدرت را به‌وجود آورد. فارغ از عوامل خارجی، کشمکش‌های چهار دهه اخیر، پس‌لرزه‌های همان ساختار شکنی است که در ۱۳۵۲ انجام شد. نخبه‌گان سیاسی تا هنوز نتوانسته‌اند روش پایدار برای تقسیم قدرت به‌وجود آورند.



سخی داد هاتف

من از مردم مالیه مذهبی نمی‌گیرم؛ حکم سنگ‌سار کسی را صادر نمی‌کنم؛ دستور نمی‌دهم مردان و زنان را شلاق بزنند؛ چهار همسر ندارم؛ کسی را تنها به این دلیل که عقاید متفاوتی دارد، مستوجب اعدام نمی‌دانم؛ برای خالی کردن جیب خلق حیل‌های شرعی به کار نمی‌بندم؛ زنان را موجودات درجه دو نمی‌پندارم؛ هوس همسری و هم‌بستری با دختران ۹ ساله ندارم؛ انسان‌های دیگر را، با هر ملیت و مذهب و زبان و نژادی، نجس نمی‌دانم؛ کسی را مجبور نمی‌کنم که حتماً بر عقاید آبا و اجداد خود راسخ بماند؛ کسی را به خاطر تغییر باورهایش سزاوار طرد و تبعید و مرگ نمی‌دانم؛ جنگ‌های فرقه‌یی راه نمی‌اندازم؛ حق زنده‌گی انسان‌ها را در پای چهار تا جمله‌یی که فلان مرجع مقتدر معنوی گفته قربانی نمی‌کنم؛ ذهن کودکان خردسال را با نفرت از آدم‌های دیگر نمی‌آلایم؛ گزاره‌های ذهنی خود را حقایق ابدی و مقدس نمی‌پندارم؛ شب و روز خرافه‌پراکنی نمی‌کنم؛ عشق را فحشا نمی‌دانم و مجازات اهل فحشا را حق الهی خود نمی‌شمارم؛ برای نگه‌داشتن مردم در چنبره یک باور خرافی هزاران قصه دروغین نمی‌پردازم...

با وجود این، تنها به این دلیل که فکرم را می‌نویسم هر روز دشنام می‌شنوم. من خرم، سگم، سگ شویم، غرب‌زده‌ام، دل‌قکام، حرام زاده‌ام، عیاش‌ام، جاهل‌ام، کنیف‌ام، مزدور بیگانه‌ام... تنها به‌خاطری که قلمی دارم و با این قلم به اندازه یک چراغ دستی کوچک بر گوشه‌های تاریک حیات جمعی مان روشن می‌اندازم.



رحمت الله بیگانه

نه سازد علم بی‌اخلاق فخر مرد را ظاهر و اما شاعر و نویسنده

اخلاق، رویه و کردار انسانی، بالاتر از هر چیز دیگر جایگاه رفیع و بلندی، در شخصیت آدم‌ها دارد. هستند آدم‌های که در لای کتاب‌ها گم شده‌اند و خود را نویسنده، شاعر، داستان‌نویس و... می‌گویند، اما بی‌شخصیت، کلاه‌بردار، دروغ‌گو، ریاکار، لای‌بالی و بی‌معنی هستند. آیا این‌گونه آدم‌ها، جایگاه، مقام و ارزشی در جامعه دارند؟ عروزی سمرقندی در چار مقاله خود در مورد شاعر، به این باور است:

«اما شاعر باید که سلیم الفطره، عظیم الفکر، صحیح الطبع، جیدالرویه، دقیق النظر باشد، در انواع علوم متنوع باشد و در اطراف رسوم مستطرف، زیرا چنان‌که محاورت خوش‌گوی بود و در مجلس معاشرت خوش‌روی و باید شعر او بدان درجه رسیده باشد که در صحیفه روزگار مسطور باشد و بر السنه احرار مقرر... و چون شعر بدین درجه نباشد، تأثیر او را اثر نبود و پیش خداوند خود بمیرد و چون او را در بقای خویش اثری نیست، در بقای اسم دیگری چه اثر باشد؟ و اما شاعر بدین درجه نرسد الا که در عنفوان شباب و در روزگار جوانی بیست هزار بیت از اشعار متقدمان یاد گیرد و ده‌ها هزار کلمه از آثار متاخران پیش چشم کند و پیوسته دواوین استادان همی خواند و یاد همی گیرد.»

کشور جهان‌نا

سازمان بین‌المللی مهاجرت: ورود مهاجران از ترکیه به یونان بار دیگر افزایش یافته است

سازمان بین‌المللی مهاجرت در تازه‌ترین گزارش خود اعلام کرد که روند ورود مهاجران خارجی از ترکیه به یونان بار دیگر افزایش یافته است.

سازمان بین‌المللی مهاجرت اعلام کرده است که علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته برای مسدود کردن مسیر ورود مهاجران، بار دیگر پناهجویان بیشتری از ترکیه وارد یونان شده‌اند.

سازمان بین‌المللی مهاجرت افزود: حدود ۱۵۰ مهاجر در روز طی ۳ روز گذشته وارد یونان شده‌اند که این رقم نسبت به روزهای اولیه اجرای توافق جنجالی اتحادیه اروپا و ترکیه برای مقابله با بحران مهاجرت، رشد چشم‌گیری داشته است.

سخنگوی سازمان بین‌المللی مهاجرت تأکید کرد: ورود مهاجران به یونان که در برخی روزهای این ماه به صفر رسیده بود، بار دیگر با افزایش همراه شده است. وضعیت آب و هوایی، خلاق‌تر شدن قاچاق‌چیان، عامل اصلی افزایش مجدد ورود مهاجران از ترکیه به یونان بوده است.

سازمان بین‌المللی مهاجرت افزود: از ابتدای امسال تاکنون بیش از ۱۸۰ هزار پناهجو از طریق دریا وارد اروپا شده‌اند. بیش از ۱۵۴ هزار مهاجر وارد جزایر یونان شده‌اند و ۱۲۳۲ نفر نیز در این مسیر جان خود را از دست داده‌اند.

مقام‌های ترکیه هشدار داده‌اند که اگر اتحادیه اروپا به قول‌های خود در زمینه سفر بدون ویزای شهروندان ترک‌تبار به اروپا عمل نکند، کل توافق‌نامه مربوط به مهاجران لغو خواهد شد.



نماینده آمریکا در ناتو: هیچ شانس برای گسترش ناتو طی سال‌های آینده وجود ندارد

فرستاده آمریکا در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی ناتو گفت: هیچ شانس برای گسترش ناتو در آینده نزدیک وجود ندارد، چرا که این ترس وجود دارد که گسترش ناتو موجب بی‌ثباتی روسیه خواهد شد.

در حالی که گرجستان و تعدادی از کشورهای بالکان خواستار گسترش سریع ناتو به سوی شرق اروپا هستند، داگلاس لوت، فرستاده آمریکا در سازمان ناتو در سخنانی تأکید کرد که هیچ شانس برای گسترش ناتو در سال‌های آینده وجود ندارد.

او در ادامه تصریح کرد: ناتو نمی‌خواهد بار دیگر شاهد تشدید ضعف داخلی در روسیه باشد و به همین علت هیچ شانس برای گسترش ناتو در آینده نزدیک وجود ندارد.

لوت گفت: از نظر معیارهای عملی، من فکر نمی‌کنم که زمینه مناسبی برای گسترش ناتو طی سال‌های آینده وجود داشته باشد. به باور من، روسیه نقش مهمی در فضای راهبردی کنونی ایفا می‌کند و این فضای راهبردی یک ترمز برای گسترش ناتو به شمار می‌رود.

دسامبر گذشته، ناتو از مونته‌نگرو دعوت کرد تا به این سازمان ملحق شود. این نخستین تلاش ناتو از سال ۲۰۰۹ میلادی برای گسترش به سوی مرزهای شرقی بوده است.

این اقدام با خشم روسیه روبه‌رو شد.

لوت افزود: ناتو برای پذیرش اعضای جدید کاملاً آماده است، ولی همه ۲۸ عضو این سازمان باید برای دعوت از اعضای جدید موافقت کنند و در شرایط کنونی احتمال کمی برای این مسأله وجود دارد.

اظهارات این مقام آمریکایی در شرایطی است که نخستین نشست مشترک ناتو و روسیه از سال ۲۰۱۴ میلادی اخیراً در بروکسل برگزار شده است.

شورای ناتو و روسیه در سال ۲۰۰۲ میلادی تشکیل شد، ولی پس از اقدام روسیه در الحاق کریمه به خاک خود در مارچ ۲۰۱۴ میلادی، فعالیت این شورا به حالت تعلیق درآمد.

پیروزی افغانستان در برابر کانادا



در بازی که تیم ملی کرکت افغانستان در برابر کانادا داشت، توانست تیم ملی کرکت کانادا را شکست دهد.

در ابتدا تیم ملی افغانستان با بردن تاس یا شیر و خط، تیم کرکت کانادا را به بولنگ دعوت کرد که بازیکنان افغانستان توانستند در ۲۰ اوور ۱۵۰ رنز را پوره کنند.

بازی دیروزی اصلاً باید در ۵۰ اوور انجام میافت، ولی به‌خاطر ریزش باران، بازی به تعویق افتاد و زمانی که آغاز گردید، فقط زمان اجرای ۲۰ اوور باقی مانده بود.

در این بازی، بولرهای افغانستان نه تنها نگذاشتند تا کانادایی‌ها نمبر اخذ کنند، بلکه بسیار زود بازیکنان رده اول آن‌ها را از میدان خارج کردند.

پتیل توانست در بدل ۳۹ توپ ۴۵ نمبر اخذ نماید و رضوان چیمبا در بدل ۲۴ توپ ۳۶ نمبر را از آن خود کرد. به استثنای ای ایس هسنره که ۱۰ نمبر اخذ کرد، متباقی بازیکنان کانادایی با نمبرهای یک، دو، سه، چهار و حتا صفر از میدان راهی اقامتگاه‌شان گردیدند.

در میان بولرهای افغانستان، سمیع الله شینواری در سه اوور، ۱۶ نمبر داده و سه بازیکن کانادایی را از میدان خارج کرد. متباقی بولرهای افغانستان که شامل حمید حسن، میرویس اشرف، دولت زدران، محمد نبی و نوروز منگل هریک، توانستند یک بازیکن کانادایی را از میدان خارج نمایند.

باین حساب تیم ملی کرکت افغانستان در دومین بازی یک روزه هم توانست کانادا را شکست داده و تا حال در سلسله بازی‌های یک روزه ۵۰ اووره، دو مقابل صفر برتری را از آن خود کند.

بازی بعدی تیم ملی کرکت افغانستان با کشور ترینادا به روز پنجشنبه یازدهم ماه اگست در گینگ سیتی کانادا برگزار خواهد شد.

تیم افغانستان قرار است بازی بعدی‌اش را با تیم ملی کرکت کانادا، روز دوازدهم اگست اجرا کند.

در سوی دیگر، تیم ملی کرکت افغانستان در چهارمین روز جام سارک تی ۲۰ که در جزیره مالدیف راه‌اندازی شده است، توانست تیم ملی بوتان را با یک تفاوت زیادی شکست دهد.

تیم ملی کرکت افغانستان با بردن تاس، نخست باتنگ را انتخاب کرده و با استفاده از کوچکی میدان، ضربات چهار و شش نمره‌یی را بر بولران بوتانی وارد کرده و بعد از ختم ۲۰ اوور توانستند ۲۹۵ نمبر به دست آورند.

هدف ۲۹۵ نمبر در ۲۰ اوور به مثابه کوهی برای تیم بوتان تلقی می‌شد. خارج شدن بازیکنان بوتان در اولین اوورهای بازی، پوره کردن این هدف را برای تیم بوتان مشکل‌تر ساخت.

تیم بوتان بعد از ۲۰ اوور توانست تنها ۷۱ نمبر را کسب کرده و با تفاوت ۲۲۵ نمبر مسابقه را به تیم ملی کرکت افغانستان واگذار کرد.

امیر خان با کسب ۸۵ نمبر به حیث بهترین بازیکن مسابقه شناخته شد.

افغانستان توانست با این پیروزی راهی دور نیمه‌نهایی گردد. تیم کرکت افغانستان در دور نیمه‌نهایی با یکی از تیم‌های پاکستان و یا هم نیپال که قرار است امروز به مصاف هم بروند روبه‌رو خواهد شد.

افتتاح یک سالون خاص کشتی در هرات



مسئولین ورزشی در ولایت هرات از افتتاح یک سالون ورزشی مختص به رشته کشتی در این ولایت خبر می‌دهند.

غدیر جويا، معاون اداری آمریت ورزشی هرات می‌گوید، این سالون ورزشی به همکاری یکی از تاجران برای علاقه‌مندان رشته ورزشی کشتی محلی (کوروش) ایجاد شده است.

این سالون ورزشی "پیمان" نام دارد که با افتتاح آن مشکلات تمرین برای بیش از صد ورزشکار در ولایت هرات رفع شد.

همزمان با افتتاح این کلب، شماری از ورزشکاران این رشته از سایر تجار و علاقه‌مندان به ورزش می‌خواهند تا با جامعه ورزشی در این ولایت همکاری بیشتر کنند.

ورزش کشتی در هرات از هواداران زیادی برخوردار می‌باشد که ورزشکاران این رشته در هرات هم‌اکنون مقام نخست را نسبت به سایر ولایت‌های کشور در اختیار دارند.

Mandegar

نویسنده گان به حکومت:

برای رشد فرهنگ کتاب خوانی کار کنید



شماری از نویسندگان و شاعران افغانستان در نشست به مناسبت روز جهانی کتاب در کابل از حکومت می‌خواهند تا در حوزه نویسنده‌گی و ادبیات مداخله نکند. در این گردهمایی همچنان جایزه پنجه طلایی به شش تن از نویسندگان کشور به پاس کتاب‌هایی که اخیراً منتشر کرده بودند، اعطا شد.

رضا محمدی، رییس اتحادیه نویسندگان افغانستان در این نشست می‌گوید، با این که شمار شاعران و نویسندگان روزبه‌روز در حالی فزونی‌ست، اما تحال کمتر توجهی به این طبقه نشده است.

مصطفی هزاره، یکی دیگر از شاعران در این نشست از حکومت خواهان توجه بیشتر شد. او نیز می‌گوید که حکومت نباید در حوزه نویسنده‌گی دخالت کند.

شماری از نویسندگان به سلام‌وطندار می‌گویند که برای چاپ و نشر یک کتاب باید روزها از یک دفتر به دفتر دیگر بروند تا بتوانند اجازه چاپ اثرشان را دریافت کنند.

جایزه پنجه طلایی نیز در این نشست به طایر زلاند، آریا حافظ، یاسین نگاه، مصطفی هزاره، ادم کاهه و سیدشاه مسعود به خاطر آثارهای نشرشده‌شان اعطا شد. آثار این نویسندگان در بخش‌های

و گسترش فرهنگ مطالعه نداشته است. از جانبی هم به ناشران کتاب توجهی نشده است؛ این در حالی است که در این سال‌ها بسیاری از کتاب‌هایی که در کشورهای همسایه ما اجازه چاپ نداشته در کابل به چاپ رسیده‌اند. سالانه پنجاه عنوان کتاب، با روی‌کردهای متفاوت چاپ و منتشر می‌شوند. در حالی که بر اساس آمارها سالانه هر شهروند افغانستانی به طور میانگین کمتر از یک دقیقه مطالعه می‌کند.

وحدت ملی، هنر و دموکراسی منتشر شده است. عبدالباری جهانی، وزیر اطلاعات و فرهنگ نیز می‌گوید که باید برای رشد فرهنگ کتاب‌خوانی کار صورت گیرد. او با ستایش از نقش نویسندگان در کشور از تخصیص ۲,۵ میلیون افغانی برای واردات کتاب خبر می‌دهد. در طول چندین سال گذشته، کتاب‌های زیادی در عرصه‌های گوناگون به چاپ رسیده‌اند؛ ولی ظاهراً دولت هیچ سیاست فرهنگی مؤثری در زمینه بسط

رییس عمومی برنامه‌های انکشافی سازمان ملل متحد: منابع طبیعی افغانستان با تهدید روبرو است



داگلاس کیسه، رییس عمومی برنامه‌های انکشافی سازمان ملل متحد (UNDP) می‌گوید که رشد بی‌رویه نفوس روی منابع طبیعی اثرات ناگوار دارد. او که در مراسم تجلیل از روز جهانی زمین روز شنبه در کابل سخن می‌گفت، افزود که منابع طبیعی افغانستان زیر تهدیدهای جدی است.

سید حسین فاضل سانچارکی، مشاور فرهنگی ریاست اجرایی که در این مراسم شرکت کرده بود، می‌گوید که دود باروت ناشی از انفجارها و استعمال جنگ‌افزارها، محیط زیست افغانستان را برای انسان‌ها دشوار و خطرناک ساخته است. به گفته آقای سانچارکی، حکومت وحدت ملی سعی دارد تا برنامه اداره ملی حفاظت از محیط زیست را به گونه سراسری در کشور عملی کند. شهزاده مصطفی، سرپرست اداره ملی حفاظت از محیط زیست با انتقاد از ساخت و سازهای بی‌رویه در شهرهای افغانستان - که به گفته او محیط زیست را با خطر روبرو کرده است - می‌گوید که اداره او به تنهایی توان مبارزه با آلودگی محیط زیست را ندارد. او از سایر اداره‌های دولتی می‌خواهد که با این اداره همکاری کنند.

۲۲ اپریل برابر با سوم ثور مصادف است با روز جهانی زمین. از این روز همه ساله در تمام کشورها تجلیل می‌شود.

بیش از ۱۰۰ دانش آموز دختر در ولایت فراه مسموم شدند



امروز به شفاخانه مرکزی این ولایت، منتقل شدند. آقای شایق گفت که این دختران مسموم شده، دانش‌آموزان صنف‌های ۵، ۶ و ۷ مکتب دخترانه قریه چارباغ ولایت فراه می‌باشند. قریه چارباغ در چند کیلومتری مرکز ولایت فراه موقعیت دارد. آقای شایق منتشر شدن یک نوع گاز سمی در صحن مکتب را علت مسمومیت این دختران خواند.

رییس صحت‌عامه ولایت فراه، گفت که تعدادی از این دانش‌آموزان به‌صورت سرپایی تداوی و از شفاخانه مرخص شدند و در حال حاضر به تعداد ۳۰ تا ۳۵ دانش‌آموز دیگر در شفاخانه مرکزی ولایت فراه تحت مداوا قرار دارند. وضعیت صحتی این دانش‌آموزان قناعت‌بخش گزارش شده است. تا هنوز این‌که دستان چه کسانی و یا گروهی در عقب این مسموم‌سازی دختران دانش‌آموز نهفته است، مشخص نیست.

مسموم‌سازی دانش‌آموزان مکاتب دخترانه در افغانستان تاگی ندارد، هرازگاهی در جای‌جای کشور به‌شمول شهر کابل، این اتفاق روی داده است. در تازه‌ترین مورد، در ولایت تخار نیز به تعداد ۶۲ دانش‌آموز دختر مسموم شدند.

به تعداد ۱۰۶ دانش‌آموز یک مکتب دخترانه صبح روز شنبه ۴ ثور، در ولایت فراه مسموم شدند.

عبدالجبار شایق، رییس صحت‌عامه ولایت فراه در یک گفت‌وگوی تلفنی به خبرگزاری رصد گفت که دختران مسموم شده، ساعت ۱۰ پیش از چاشت

روسیه:

ناتو به مبارزه با قاچاق مواد مخدر در افغانستان توجهی ندارد

قاچاق غیرقابل کنترل اسلحه، مهمات نظامی و تحرک بیشتر تندروها منجر شده و در نتیجه فعالیت‌های نظامی سازمان‌های تروریستی و افراطی را راحت‌تر کرده است.

چهارشنبه گذشته نخستین نشست شورای روسیه - ناتو در دو سال گذشته در سطح سفرا برگزار شد که بنا به گزارش‌ها در رسیدن به هدف نزدیک کردن دیدگاه‌های دو طرف شکست خورد.

پس از برگزاری بی‌نتیجه این نشست برای از سرگیری همکاری‌ها، مسکو هشدار داد که ادامه این وضعیت می‌تواند پیامدهای ناخوشایندی در مبارزه با پدیده رو به گسترش تروریسم داشته باشد.

شورای ناتو - روسیه در سال ۲۰۰۲ به عنوان مسیر مشورت و همکاری کشورهای عضو این پیمان و مسکو در خصوص طیف گسترده‌ی از مسایل امنیتی تشکیل شد، اما این نهاد سال ۲۰۱۴ همزمان با آغاز درگیری‌ها در اوکراین به حالت تعلیق درآمد.

الکساندر گروشکو نماینده روسیه در ناتو روز شنبه به خبرگزاری ریانوستی گفت: آشکار است که اوضاع در افغانستان بدتر می‌شود و ما شاهد دو جریان در این کشور هستیم که فعال شدن طالبان از یک سو و ورود شبه نظامیان تحت عنوان داعش از طرف دیگر به افغانستان است.

وی افزود: متأسفانه ناتو همچنان درخواست روسیه را برای تقویت مبارزه با قاچاق مواد مخدر در افغانستان نشنیده می‌گیرد، هر چند که برای همه روشن است تولید این مواد مانند سابق منبع اصلی درآمد شبه نظامیان است.

گروشکو همچنین گفت: فعالیت طراحان بی‌مسئولیت ژئوپولیتیک در این منطقه که ناتو در آن حضور دارد به تخریب سازوکارهای سنتی اداره دولتی و تامین امنیت،



روسیه اعلام کرد: بی توجهی پیمان ناتو به دیدگاه‌های مسکو برای تقویت مبارزه با قاچاق مواد مخدر در افغانستان و تولید این مواد که منبع اصلی درآمد شبه نظامیان است، ادامه دارد.